

### متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: پیرو سوال ۱۶۰۳۵ آقای یزدان پناه در کتاب مبانی و اصول عرفان نظری، نظری جز این دارند: در آن کتاب آمده است اعیان ثابتہ در مرتبہ واحدیت معلوم حق می گردد - در بخش دیگر کتاب می فرمایند اعیان ثابتہ در تعین ثانی معنا پیدا می کند و همچنین فیض اقدس مطابق تعین ثانی می دانند و تعین ثانی را مقام واحدیت معرفی می کنند. سخنان آقای رضانی در این خصوص: اما از این جهت که آنها «من حیث هی موجوده بوجود علمی»، باید بگوئیم: آنها در صقع ذات، در حضرت علمیه، در مرتبہ واحدیت و در تعین ثانی قرار دارند؛ یعنی در حضرت احدیت و در غیب ذات حرفی از اعیان ثابتہ نیست تنها جایی که می توان برای آن در نظر گرفت و از آن دفاع کرد حضرت علمیه است که از آن به مرتبہ واحدیت یا تعین ثانی و یا تعبیر دیگری که ممکن است وجود داشته باشد، تعبیر می شود. ما فعلاً در مقام تعریف و بیان مرادیم، اثبات اعیان ثابتہ و اشکالات آن و جواب از آن اشکالات، در مراحل بعدی بحث دنبال می شود. بنابراین مجلّ تقرّر اعیان ثابتہ از آن جهت که به وجود علمی موجودند، حضرت علمیه است نه حضرت احدیت و نه هویت غیبیه، مانند این که شما اگر بر ذات و هویت غیبیه خودتان تمرکز کنید خواهید دید در آنجا هیچ کثرت و تعینی نیست؛ اما وقتی در صقع ذات و حضرت علمیه خودتان، تصورات ذهنی خودتان را سامان می دهید، می بینید که آنها در برابر شما رژه می روند، تکرر معنا پیدا می کند و بعضی از آنها از بعضی دیگر امتیاز می یابند اینها در مرتبہ ذات شما به این نحوه ظهور و حضور یافته و مشاهده می شوند. این، یک مثال بود اکنون شما این مثال را بالا ببرید و بر صقع ذات حق تعالی و مرتبۀ واحدیت و حضرت علمیه تطبیق دهید. در هویت غیبیه که «لا اسم و لا رسم له» هیچ خبری از کثرت نیست، در مرتبہ احدیت هم که حقیقتی یک پارچه است و تعین پیدا کرده و اصطلاح تعین اول را به خودش اختصاص داده خبری از آنها نیست چون همه کثرات در تعین اول مستهلک اند؛ اما در مرحله تعین ثانی یا مرتبہ واحدیت است که می توانیم تکرر را تعقل و تصور کنیم. و در همین جا است که اعیان ثابتہ، تکرر اسماء و صفات و ظلال و سایه های اسماء و صفات مطرح است. عبدالرزاق کاشانی عین ثابت را این گونه تعریف می کند: «العین الثابتة» هی حقیقة الشیء فی الحضرة العلمیة لیست بموجود بل معدومة ثابتة فی علم الله و هی المرتبة الثانیة من الوجود الحقی. «عین ثابت همان حقیقت شیء در حضرت علمی است، موجود نیست بلکه معدوم است و در علم خدا ثابت است و آن مرتبہ ی دوم وجود حق می باشد. و موارد دیگر. با تشکر

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی در توصیف اعیان ثابتة گفته می‌شود «ما شمت رائحة الوجود» نظر به حقیقت علمی اعیان ثابتة دارند و این مقام احدیت است که همه چیز در آن مقام مستهلک می‌باشد. می‌ماند که اگر برای حضرت حق مقام هویت غیبیه‌ای را نیز مد نظر قرار دهیم □ به عنوان مقامی بالاتر از مقام احدیت □ مقام احدیت به عنوان تعیین ثانی مطرح می‌گردد. ولی اگر مقام احدیت را تعیین اول گرفتیم، مقام واحدیت می‌شود تعیین ثانی. در هر حال وجود علمی اعیان ثابتة، غیر از وجود عینی آنها است که با تجلی اسماء الهی بر آنها شکل می‌گیرند و بدین لحاظ گفته می‌شود وجود عینی اعیان ثابتة در مقام تعیین ثانی قرار دارند. عمده توجه به دو مرتبه‌ی علمی و عینی اعیان ثابتة است. مهم نیست که ما تعیین اول و ثانی را چگونه قلمداد کنیم. به نظر بنده همان طور که جناب آقای یزدان‌پناه تعیین اول را «احدیت» و تعیین ثانی را «واحدیت» گرفته‌اند، جمع‌بندی خوبی است. موفق باشید